



فقه و علوم عقلی تقابلی ندارند/روایات اهل بیت(ع) مشوق تفکر عقلی است

کسانی که با طرح تقابل بین علوم عقلی و معارف اهل بیت(ع)، به عقل ستیزی قداست می دهند نمی دانند با عقل ستیز معرفی کردن مکتب اهل بیت به این مکتب که بیش از هر مکتبی مشوق عقلانیت است ضربه می زنند.

کسانی که با طرح تقابل بین علوم عقلی و معارف اهل بیت(ع)، به عقل ستیزی قداست می دهند نمی دانند با عقل ستیز معرفی کردن مکتب اهل بیت به این مکتب که بیش از هر مکتبی مشوق عقلانیت است ضربه می زنند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مقام معظم رهبری در دیدار با دست اندرکاران برگزاری همایش حکیم طهران (مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی) و اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی، دعوت جوانان به علوم عقلی را مهم دانستند و در این باره گفتند: «توجه حوزه ها به علوم عقلی و به خصوص فلسفه خیلی مهم است … اگر چنانچه فلسفه را شما از قم بردارید، کسانی در جاهای دیگر، متصدی تبیین فلسفه و تدریس فلسفه می شوند که اهلیت و صلاحیت این کار را ندارند؛ کما اینکه الان می بینیم بعضی از افرادی که در غیر قم به عنوان فلسفه دان شناخته می شوند و مطرح می شوند اطلاعات شان از فلسفه سطحی است؛ نه اینکه اطلاع ندارند اما اطلاعات شان عمیق نیست، سطحی است؛ یک چیزی خوانده اند و یک اصطلاحی را بر زبان جاری می کنند؛ خب این خوب نیست؛ خوب است که در خود قم باشد، در حوزه علمیه باشد.» ایشان در بیانات شان به اهمیت تدریس علوم عقلی و فلسفه در حوزه های علمیه قم و تهران تاکید کردند تا از ترویج این علوم توسط افرادی که از سطح سواد پایینی در این زمینه برخوردارند، جلوگیری شود.

در گفتگو با محمد فناپی اشکوری، استاد فلسفه و عرفان تطبیقی به بررسی جایگاه فلسفه در حوزه و اهمیت آن برای دیگر رشته های علوم اسلامی پرداختیم که اکنون متن آن پیش روی شماست؛

*مقام معظم رهبری بارها از جمله در سفر چند سال پیش به قم و همچنین اخیراً در دیدار با اعضای برگزار کننده همایش حکیم طهران و اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی به ترویج علوم عقلی و فلسفه در حوزه علمیه اشاره و تأکید داشتند. به نظر شما این دسته از علوم چه روندی را اکنون در حوزه ها طی می کنند که ایشان نسبت به آن هشدار دادند؟

در مقایسه با گذشته امروزه در حوزه علمیه قم استقبال خوبی از علوم عقلی می شود و درس های متعددی در زمینه های کلام، فلسفه و عرفان وجود دارد. همچنین مراکز و مؤسساتی در زمینه های مختلف علوم عقلی فعال هستند، مانند مجمع عالی حکمت اسلامی که به پیشنهاد مقام معظم رهبری و حمایت معظم له تأسیس شد. وضع نشریات اعم از مجله و کتاب نیز در این زمینه ها بد نیست، اما با این حال کمبودها و مشکلات در این حوزه بسیار است.

آنچه در حال حاضر داریم برای جبران عقب ماندگی های چند صد ساله کافی نیست و برای جبران این عقب ماندگی به تدبیر و تلاش بیشتری نیازمند هستیم. افزون بر این متأسفانه جریانیه که در طول تاریخ با تفکر و عقل ورزی و علوم عقلی مخالفت ورزیده، مجدداً فعال شده و با طرح شبهه ‍های بی پایه، طلاب جوان را از روی آوردن به علوم عقلی دلسرد می کند. آنها با طرح تقابل بین علوم عقلی و معارف اهل بیت(ع) به عقل ستیزی رنگ قداست می دهند، در حالی که نمی دانند با عقل ستیز معرفی کردن مکتب اهل بیت(ع) به این مکتب که بیش از هر مکتبی مشوق عقلانیت و تفکر عقلی است ضربه می زنند و آن را ضد عقل نشان می دهند.

گاهی بین علوم عقلی و فقه تقابل مصنوعی ایجاد می کنند و در موضع دفاع از فقه، علوم عقلی را تحقیر می کنند و فتوا به کفر عالمان علوم عقلی می دهند؛ در حالی که هیچ تقابلی بین فقه و علوم عقلی نیست و عالمان علوم عقلی ما اغلب خود فقیه هستند

گاهی بین علوم عقلی و فقه تقابل مصنوعی ایجاد می کنند و در موضع دفاع از فقه، علوم عقلی را تحقیر می کنند و فتوا به کفر عالمان علوم عقلی می دهند؛ در حالی که هیچ تقابلی بین فقه و علوم عقلی نیست و عالمان علوم عقلی ما اغلب خود فقیه هستند.

موضوع فقه و علوم عقلی کاملاً از هم جدا است. حوزه فقه احکام شرعی فرعی است و حوزه علوم عقلی عقاید و الاهیات است و تصور تعارض بین اینها نامعقول است. گاهی روایات اسلامی را در تقابل با علوم عقلی جلوه می دهند،

در حالی که روایات اهل بیت(ع) بزرگترین مشوق علمای شیعه برای روآوردن به علوم و معارف عقلی است.

برخی از کسانی که با فلسفه آشنا نیستند می&ZWNJ;پندارند که فلسفه خواندن به معنای تقلید از یونانیان است. آنها فکر می&ZWNJ;کنند یک فلسفه ای در یونان پدید آمد که از آن زمان تا امروز همه کسانی که به فلسفه علاقمند هستند، پیرو یونانیان هستند. این کاملاً نشان از بی خبری و ناآگاهی آنها از فلسفه است. در فلسفه تقلید بی معناست و تقلید با روح فلسفه در تناقض است. به اینها باید گفت بد نیست یک دوره تاریخ فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را مطالعه کنید تا به تنوع مکتب های فلسفی پی ببرید. صدها مکتب فلسفی در دنیا هست که هیچ شباهتی به فلسفه یونان ندارد. در هند و چین هم فلسفه است. در ایران قدیم هم فلسفه بود، چنان که در غرب امروز هم فلسفه رایج است.

بله، نام همه فلسفه است و در برخی مسائل بین آنها ممکن است مشابهتی باشد، اما این باعث نمی شود که بگوئیم فلسفه علامه طباطبایی مثلاً همان فلسفه ارسطو است. این مثل آن است که بگوئیم یهود علم تفسیر و فقه و کلام دارد و مسلمین هم علم تفسیر و فقه کلام دارند و چون نام هر دو یکی است و برخی مسائل آنها شبیه هم هستند. پس تفسیر و فقه و کلام اسلامی همان تفسیر و فقه و کلام یهودی است و علمای اسلام در این حوزه ها دنباله رو علمای یهودند!!! همان قدر که این حرف درباره تفسیر و فقه و کلام خام و نادرست است درباره فلسفه و عرفان هم خام و نادرست است. مثلاً در فلسفه اسلامی معاصر ما مباحثی درباره هستی شناسی و معرفت شناسی و انسان شناسی مطرح می شود و عقاید و آراء گوناگون در آن بررسی می شود، اعم از آراء یونانیان، آراء فلاسفه اسلامی و آراء فلاسفه معاصر غرب. فلسفه و هیچ علمی با خطابه و توهین و به کارگیری عبارت&ZWNJ;های اهانت آمیز و تمسخر و تکفیر اهل آن ابطال نمی شود. راه بحث در این زمینه توهین و تمسخر و تکفیر نیست، بلکه راهش وارد شدن به بحث علمی استدلالی است که مستلزم رسوخ در مباحث عقلی و قدرت استدلال منطقی است.

*اهمیت علوم عقلی و کاربرد آن در سایر علوم حوزوی تا چه حد هست؟

مهمترین بعد دین، عقاید دین است. در حوزه عقاید به ویژه در اصول دین تقلید راه ندارد. عقاید دین در علوم عقلی بررسی می شوند، نه در فقه به معنای خاص آن که امروز رایج است. علم شریف فقه از کتاب طهارت تا دیات عهده دار بیان وظیفه شرعی مکلف است، نه خدا شناسی و انسان شناسی و معادشناسی. عقاید در قرآن و سنت بیان شده است، اما همان طور که فقه عهده دار تبیین و اجتهاد در حوزه احکام است، کلام و حکمت الهی هم عهده دار تبیین و اثبات عقاید دینی و شرح و تفسیر اجتهادی معارف اعتقادی و تثبیت بنیان های نظری آن است.

مهمترین بعد دین، عقاید دین است، در حوزه عقاید به ویژه در اصول دین تقلید راه ندارد. عقاید دین در علوم عقلی بررسی می شوند، نه در فقه به معنای خاص آن که امروز رایج است

همچنین پاسخ به شبهات عقلی در حوزه عقاید در قلمرو علوم عقلی است نه در قلمرو فقه. اگر کسی با شبهات در زمینه عقاید آشنا باشد می داند که این شبهات بی&ZWNJ;شمار است و روز به روز در حال توسعه است. اگر عالمان علوم عقلی برای پاسخ به این شبهات اقدام نکنند و مؤسساتی در این زمینه فعالیت نکنند، شک و تردید در زمینه باورهای دینی روز به روز توسعه می یابد.

در دهه های قبل دیدیم که مارکسیسم وارد ایران و برخی کشورهای اسلامی شد و چگونه جمع بسیاری از جوانان و تحصیل کردگان و روشنفکران مسلمان را جذب و از دین خارج کرد. چه کسانی در مقابل این جریان ایستادند و از کیان اندیشه دینی دفاع کردند؟ غیر از امثال علامه طباطبایی و مطهری که سرآمدان علوم عقلی بودند؟ شبهه های مارکسیست ها درباره واجبات و محرمات و طهارت و شکیات نبود، بلکه دریاب مسائلی همچون خدا و عالم ماورای طبیعت و حیات پس از مرگ بود.

*جایگاه علوم عقلی در حوزه قبل از انقلاب با بعد از انقلاب اسلامی چه پیشرفتهایی داشته است؟

پیش از انقلاب اسلامی علوم عقلی بسیار مهجور بود و افراد معدودی از نخبگان حوزه مانند امام خمینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری برای ادای وظیفه و مسئولیت تاریخی خود در پیشگاه الهی با ایثار و ترک جایگاه و خطرکردن و بدنامی و جفا را به جان خریدن در این راه گام برمی داشتند و در این راه متحمل فشارها و تهمت های بسیار می شدند.

انقلاب شکوهمند اسلامی نقطه عطفی در توجه حوزه ها به علوم عقلی شد به طوری که وضعیت علوم عقلی پس از

انقلاب با پیش از انقلاب از هیچ جهت قابل مقایسه نیست، البته نیاز امروز هم با گذشته قابل قیاس نیست. هم نظام اسلامی برای استحکام بنیان های نظری و توفیقش نیازمند به علوم عقلی در گستره ای وسیعتر از گذشته است و هم مقابله با اندیشه های ماتریالیستی و سکولاریستی که همچون سیل و طوفان وارد فضای کشور ما می شود امروز همتی جانانه می طلبد. ارزش دفاع از مواضع عقاید دینی و پاسخ به شبهات کمتر از دفاع در مقابل تهاجم نظامی دشمن نیست؛ بلکه اهمیتش از آن بیشتر است. اگر جوانان ما در عقاید، سست و خلع سلاح شوند قطعاً در سایر جبهه ها و سنگرها نمی توانیم توفیقی داشته باشیم.

*یکی از موضوعاتی که مقام معظم رهبری در سخنرانی اخیر در دیدار با اعضای برگزار کننده همایش حکیم طهران بر روی آن تأکید داشتند، نقادی بزرگان بدون ترس و واهمه و بحث حرف نو به میان آوردن و نوآوری در علوم عقلی بود. این مطالبه معظم له چگونه قابل حصول است؟

علوم عقلی همان گونه که از عنوانش پیداست، عقلی است. عقل را نمی توان سانسور کرد. رشد علوم عقلی بدون نقادی و آزادی در بیان اندیشه و خلاقیت و نوآوری ممکن نیست. شجاعت علمی و سعه صدر از لوازم شکوفایی علوم عقلی است. با استبداد به رأی و تعصب و تجر و تنگ نظری و بستن دهانها نه تنها نمی توان قدمی در علوم عقلی برداشت، بلکه نتیجه چنین روحیه و ذهنیتی مرگ علوم عقلی است. آنچه مقدس است دین و معارف الهی است. اما آرای بزرگان مقدس نیست، گرچه محترم است. احترام به یک رأی مستلزم طرح آن و بحث و بررسی و نقد آن است. آراء باید آزادانه نقادی شود و نه تنها در این راه نباید مانعی باشد بلکه باید افراد تشویق به نقادی و نوآوری شوند و گر نه تقلید جای تحقیق را خواهد گرفت و رکود و سکون حاکم خواهد شد.